

# منجک

سال پانزدهم / شماره ۶۸ / فروردین ماه ۱۴۰۳





امسال بهار طبیعت تقارن پیدا کرده است با بهار  
معنویّت؛ ماه رمضان. هم چنانی که درباره‌ی بهار فرمودند  
که: «تن می‌پوشانید از باد بهار»<sup>۱</sup>. درباره‌ی بهار معنویّت ماه رمضان  
هم باید تمسک کنیم به این جمله: «أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا»، «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي  
أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا»<sup>۲</sup>. نسیم معنویّت در ماه مبارک رمضان  
شامل حال همه است و خودمان را باید آماده کنیم. دل‌هایمان را در  
معرض این نسیم معنوی و الهی و معطر بگذاریم.

پیام نوروزی رهبری انقلاب به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۲

۱. مثنوی مولوی، دفتر اوّل «گفت پیغمبر به اصحاب کبار تن می‌پوشانید از باد بهار»

۲. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، ج ۶۸، ص ۲۲۱\_ الوافی، ج ۱، ص ۵۵۲

\_ عوالی اللثالی، ج ۴، ص ۱۱۸؛ «همانا از سوی پروردگار شما در طول عمرتان

نسیم‌هایی می‌وزد، پس خود را در معرض آنها قرار دهید.»



ماهنامه **منجا** / فروردین ۱۴۰۳ / شماره ۶۸

صاحب امتیاز: بنیاد و مؤسسه فرهنگی  
حضرت مهدی موعود علیه السلام فارس  
مدیرمسئول: استاد حاج شیخ علیرضا حدائق  
سر دبیر: حجت الاسلام محمدحسین حدائق  
هیأت تحریریه: خانم نادری و آقای غیبی

شیراز، کوی زهرا علیها السلام، نبش کوچه ۸، روبروی  
دبستان شهیدان اتحادی، بنیاد و مؤسسه  
فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام فارس



بنیاد و مؤسسه فرهنگی حضرت مهدی موعود



بنیاد و مؤسسه فرهنگی حضرت مهدی موعود

از علاقه مندان به مطالب مهدوی دعوت به  
عمل می آید جهت استفاده از مطالب متنوع  
مهدوی به سایت [www.bonyademahdi.com](http://www.bonyademahdi.com)  
مراجعه نمایید.

شماره تماس: ۰۷۱-۳۷۲۵۵۸۵۱

فهرست مطالب

سخن سردبیر ۴

نوروز در اسلام ۶

در محضر شهدا ۸

هفت سین عشق ۱۳

دقایقی پای خاطرات استاد ۱۵

امام علیه السلام، فانوس هدایت ۱۸

امید ۲۲

ماه تمنای ظهور ۲۶

شکست اخلاقی (غرب و

مهدویت) ۳۰

چند تأمل مهدوی ۳۵

فداء در مسیحیت (فرقه های

انحرافی) ۳۹

قول ۴۲

حقیقت ۴۶

گزارش تصویری ۴۹

### سخن سردبیر

یکی از زیارت‌های بسیار مهم شیعیان، زیارت جامعه کبیره است که از جانب امام هادی علیه السلام به ما رسیده است. امام هادی علیه السلام در این زیارت می‌فرماید: «بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ وَ بِكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ يُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ»؛ خداوند (عالم وجود را) به شما آغاز کرد و به شما نیز ختم می‌کند و به واسطه شما، باران را فرومی‌ریزد و به واسطه شماست که آسمان را از اینکه بر زمین فروافتد نگه می‌دارد... در دعای عدیله نیز می‌خوانیم: «بِئَمْنِهِ رُزِقَ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ»؛ به یمن وجود آن بزرگواران موجودات روزی می‌خورند و آسمان و زمین ثابت و برقرار است.

پس امام واسطه فیض و رزق الهی، سبب متصل میان زمین و آسمان و مجرای نزول برکات آسمانی بر مردم است.

در زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام در مفاتیح الجنان که مرحوم شیخ عباس قمی نقل می‌کند خطاب به امام زمان علیه السلام می‌گوییم: «الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ»؛ سلام بر تو ای راه‌ خدایی که اگر کسی غیر از تو بپیماید، قطعاً به هلاکت می‌رسد.

لذا امروز، تنها راه، امام زمان علیه السلام است.

وقتی از امام باقر علیه السلام سؤال شد که: ارکان اسلام چه چیزهایی است؟ ایشان فرمودند: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ؛ اسلام بر پنج پایه بنا شده

است: عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ»؛ بر نماز و زکات و روزه و حج و ولایت. سپس سؤال شد: کدامیک از این‌ها از بقیه مهم‌تر است؟ آقا فرمودند: «وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ»؛ ولایت برتر است زیرا که کلید آن‌ها است و والی، همان راهنمای به سوی آن چهار تاست.<sup>۱</sup>

آری! امروز، مهم‌ترین رکن دین، ولایت است. نماز بی ولایت، خروجی آن گاهی اوقات می‌شود ابن‌ملجم مرادی. قرآن بی ولایت، یعنی قرآنی که بدون معرفت امام زمان علیه السلام خوانده شود، خروجی آن ممکن است حجاج بن یوسف ثقفی شود. اما اگر نماز و قرآن و... با ولایت بود، این رکنِ رکنین اسلام است.

پس مسئله توحید و بندگی خداوند متعال به پذیرش ولایت بستگی دارد، یعنی خدا نمازی را از انسان می‌پذیرد که از مسیر ولایت گذشته باشد، روزه‌ای را از انسان قبول می‌کند که از مسیر ولایت به ما رسیده باشد، نه از مسیرهای دیگر.

ان شالله خداوند همه ما را موفق بدارد به جایی برسیم که همواره خودمان را در محضر خدا و محضر ولی خدا ببینیم.

۱- اصول کافی، ج ۳، کتاب الایمان و الکفر بَابُ دَعَائِمِ الْإِسْلَامِ ج ۵، ص ۴۷

با ظهور اسلام در دوران جاهلیت مراسمی وجود داشت که اکثر آنها برخلاف عقل، منطق و وجدان بود مانند زنده به گور کردن دختران، که اسلام خط بطلان بر آن‌ها کشید. اما بعضی از آن‌ها مانند تحریم جنگ در چهار ماه حرام را که دربرگیرنده امنیت و آرامش بود را امضا کرد. درباره نوروز هم که یکی از رسوم قدیمی در نزد ایرانیان است، در اسلام حرف و حدیث فراوان بیان شده که چکیده اش صحه گذاشتن بر آن است. معروفترین روایت درباره نوروز روایت معلی بن خنیس از امام صادق علیه السلام می باشد که گفته است نوروزی به خدمت حضرت رسیدم حضرت فرمودند: آیا می شناسی این روز را؟ گفتم: فدایت شوم، این روزی است که عجم آن را تعظیم می کند و این روز تحفه ها و هدیه ها برای یکدیگر می فرستند. حضرت فرمود: قسم به کعبه در شهر مکه این روز جز برای کاری قدیم و دیرینه نیست که برای تو بیان و آشکار می کنم. پس گفتم: دانشی این گونه از جانب شما نزد من، از این که جاودانه باشم دوست داشتنی تر است و خداوند دشمنان شما را نابود گرداند. حضرت فرمود: ای معلی به درستی که روز نوروز روزی است که خداوند از

نوروز ۱۹۱۹ در اسلام



بندگان پیمان گرفت که او را بپرستند و چیزی را برای او شریک قرار ندهند و ایمان بیاورند به پیامبران و حجت‌های او بر خلق و امامان و پیشوایان دین و ائمه معصومین (علیهم‌السلام).

و آن روز اولین روزی است که خورشید طلوع کرد و بادهای بارورکننده وزیدند و شکوفه و گل‌های زمین آفریده شدند.

در این روز کشتی حضرت نوح بر کوه جودی قرار گرفت. در این روز جبرئیل به حضرت رسول ﷺ نازل گردید و او را مأمور به تبلیغ نمود، یعنی بعثت پیامبر ﷺ در این روز بود. در این روز حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) بت‌ها را شکست.

در این روز بود که پیامبر ﷺ امر کرد اصحاب خود را که بیعت کنند با امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و او را با این نام بخوانند، یعنی روز غدیر در این روز بوده است.

در این روز بعد از کشته شدن عثمان، مردم با حضرت علی (علیه‌السلام) بیعت کردند. در چنین روزی قائم ما (علیه‌السلام) و صاحب امر از پرده غیبت، بیرون آمده و ظهور می‌فرمایند.

در چنین روزی قائم ما (علیه‌السلام) بر دجال (طاغوت خودکامه عصر خود) پیروز می‌گردند. هیچ نوروژی بر ما نمی‌گذرد، مگر این که ما در آن روز امید فرج قائم (علیه‌السلام) را داریم، زیرا آن روز، از روزهای ما و از روزهای شیعیان ما است. عجم‌ها آن را پاس داشتند، ولی شما (عرب‌ها) آن را تباه ساختید!

## عمل

یک بار با عصبانیت ایستادم بالای سر منصور و نمازش که تمام شد، گفتم: «منصور جان، مگه جا قحطیه که میای وسط بچه‌ها به نماز می‌ایستی؟ خُب برو یه اتاق دیگه که منم مجبور نشم کارم رو ول کنم و پیام دنبال مَهر تو بگردم.» تسبیح را برداشت و همان طور که مشغول ذکر شد،

# مخض شمشاد





گفت: «این کار فلسفه داره. من جلوی این‌ها به نماز می‌ایستم که از همین بچگی با نماز خوندن آشنا بشن. مهر رو دست بگیرن و لمس کنن. من اگه برم اتاق دیگه و این‌ها نماز خوندن من رو نبینن، چه طور بعداً به اونا بگم بیاین نماز بخونین!؟»

قرآن هم که می‌خواست بخواند، همین طور بود. ماه رمضان‌ها بعد از سحر کنار بچه‌ها می‌نشست و با صدای بلند و لحن خوش، قرآن می‌خواند. همه دورش جمع می‌شدیم. من هم قرآن، دست می‌گرفتم و خط به خط با او می‌خواندم. اصلاً اهل نصیحت کردن نبود. می‌گفت به جای این که چیزی را با حرف زدن به بچه یاد بدهیم، باید با عمل خودمان نشانش بدهیم.<sup>۱</sup>

## احیا

اولین بار که به جبهه رفتم، نزدیک شب قدر بود. شب قدر که رسید، به اتفاق چند تن از هم‌زمانم، به محل برگزاری مراسم احیا رفتم. از مجموع ۳۵۰ نفر افراد گردان، فقط بیست نفر آمده بودند. تعجب کردم. شب دوم هم همین طور بود. برایم سؤال شد که چرا بچه‌ها برای احیا نیامدند، نکند خبر ندارند. از محل برگزاری احیا بیرون رفتم. پشت مقر ما صحرایی بود که شیارها و تل زیادی داشت. به سمت صحرا حرکت کردم، وقتی نزدیک شیارها رسیدم، دیدم در بین هر شیار، رزمندهای رو به قبله نشسته و قرآن را روی سرش گرفته و زمزمه می‌کند. چون صدای مراسم احیا پخش می‌شد، بچه‌ها صدا را می‌شنیدند و در تنهایی و درتاریکی حفره‌ها، با خدای خود راز و نیاز می‌کردند. بعدها متوجه شدم آن بیست نفر هم که برای مراسم عزاداری و احیا آمده بودند، مثل من تازه وارد بودند.<sup>۲</sup>

## افطاری با طعم شهادت

همه چیز از آن جا شروع شد که صدام با افتخار اعلام کرد کنفرانس غیرمتعهدها قرار است در عراق برگزار شود؛ یک رویداد تبلیغاتی که تمام هدفش القای این ادعا بود که عراق دژ نفوذناپذیر است. از همان موقع، بررسی‌ها در سطح کلان در جمهوری اسلامی شروع شد و در نهایت، اقدام نظامی به‌عنوان آخرین راهکار برای اثبات ناامنی عراق، در زمینه برگزاری چنین کنفرانسی تشخیص داده شد. نیروی هوایی، طراحی برای یک عملیات بزرگ را شروع کرد و بمباران پالایشگاه «الدوره» به عنوان هدف عملیات انتخاب شد. این گزینش هوشمندانه با این هدف بود که آثار حاصل از این حملات هوایی، در معرض دید خبرنگارانی که در یکی از هتل‌های مشرف به پالایشگاه دوره بغداد مستقر بودند، قرار بگیرد و به‌سرعت در رسانه‌های جهان بازتاب پیدا کند. فرماندهان بعد از ۲ هفته مشورت و تبادل نظر برای تعیین مجری این عملیات پرمخاطره، به یک خلبان شجاع و امتحان پس‌داده، رسیدند. کسی که شرکت در عملیات‌های بزرگی مانند بمباران پایگاه الرشید بغداد، حماسه ناوچه پیکان و انهدام پنج ناوچه عراق در جریان عملیات مروارید، بمباران

محضر شهادت

پالایشگاه کرکوک و انهدام پل‌های مواصلاتی دشمن و... را در کارنامه پربارش داشت؛ عباس دوران. وی قبل از پرواز در دفتر یادداشتش نوشت: ۹۰ درصد احتمال بازگشت وجود ندارد. برای عباس همه چیز روشن بود. پس، آگاهانه آن مأموریت استثنایی را قبول کرد.

سحرگاه آخرین روز ماه مبارک رمضان، خبر حمله دو فروند جنگنده بمب‌افکن ایرانی به پالایشگاه دوره و بمباران این پالایشگاه حیاتی، در صدر اخبار خبرگزاری‌های معتبر جهان قرار گرفت و دنیا را تکان داد. حالا کشورهای عضو جنبش عدم تعهد، مانده بودند که گزاره‌گویی‌های صدام درباره امنیت خدشه‌ناپذیر بغداد را باور کنند یا خبر عملیات بزرگ خلبانان ایرانی در قلب پایتخت عراق را. دو هواپیمای ایرانی بعد از پایان موفقیت‌آمیز مأموریت‌شان، در تلاش بودند با نهایت سرعت از آسمان دشمن خارج شوند که صدای اصابت موشک به بخشی از بال راست هواپیمای عباس، شادی آن‌ها را ناتمام گذاشت. کمک‌خلبان مشغول ارائه گزارش وضعیت بود که این بار موشک دیگری به دم هواپیما برخورد کرد. حالا هواپیما در میان شعله‌ای از آتش بود و کم‌کم تعادلش را از دست می‌داد. اینجا بود که عباس به‌عنوان فرمانده عملیات، به همکاری‌اش دستور ایجکت داد و در مقابل اصرار او برای اینکه خودش هم با ایجکت، جاننش را نجات دهد، گفت: قبلاً هم گفته بودم؛ من تن به اسارت بعضی‌ها نمی‌دهم. عباس در آخرین تماس با خلبان هواپیمای شماره دو اعلام کرد: من به سمت هدف ثانویه می‌روم! اما هیچ‌کس از این هدف ثانویه خبر نداشت. عباس با زبان روزه و پس از یک عملیات نفس‌گیر، هواپیمای شعله‌ورش را دوباره در جهت بغداد قرار داد و این بار به سمت

محل برگزاری اجلاس سران حرکت کرد. دقایقی بعد، خلبان شجاع ایرانی هواپیمایش را به ساختمان هتل محل اقامت سران اجلاس کوئینز و یک بار دیگر پوچی ادعای صدام درباره امنیت بغداد را به رخ جهانیان کشید. خون پاک عباس به ثمر نشست و اجلاس سران غیرمتعهدها به علت فقدان امنیت در بغداد برگزار نشد و به دهلی‌نو منتقل شد. عید فطر سال ۱۳۶۱ با یاد شجاعت مثال‌زدنی شهید دوران، به یک عید حماسی تبدیل شد. دوستداران عباس برای دیدار مجدد با او ۲۰ سال صبر کردند. روز دهم مردادماه سال ۱۳۸۱ قطعه‌ای از استخوان پا به همراه تکه‌ای از پوتین شهید عباس دوران به وطن بازگشت.

- 
- ۱- کتاب آسمان ۵ : شهید منصور ستاری به روایت همسر، نویسنده: لعیا رزاق‌زاده  
 ۲- خاطرات شهید رضا صادقی یونسی، وبلاگ غروب شلمچه  
 ۳- کتاب فاتح آسمان بغداد، نویسنده: محمد بابک

در محضر شهید

# هفت سین عشق



ای بهار دل‌ها و سرور و شادی روزها، ای خورشید ظلمت‌ها و ماه تمام نمای جمال خدا. ای حقیقت عشق و مظهر پرستش، ای شکوفه طه و غنچه شکفته زهرا علیها السلام.

سال‌هاست، شما مطلع غزلی شده‌اید که شاعران نسروده‌اند و سر آغاز نور شگفتی، که روشنایی خورشید را خجل کرده، بیابید و بگوئید، کدامین صبح به ظهورتان منور می‌شود؟ و کدامین سال، به فروغ روشن سین سلامتی آمدنتان، آغاز می‌گردد.

هر بهار، سفره‌هایی پر از سین داریم اما در میانه راه، ما مانده‌ایم در حسرت ظهور شما و هفت سین‌های مکرری که بی شما چیده‌ایم، همه سرشار از اندوه و آه... باور کنید این ندیدن شما، دردی جانکاه است بیابید که همه چشم به راه یک نگاه هستیم. کجا بید ای ربیع الأنام و نضره الأيام.

ای کاش امسال می‌توانستیم هفت سین مان را در کعبه پهن کنیم که در آن به جای سفره، «سجاده‌ای» می‌انداختیم به گستردگی زمین... و «ستاره‌ای»

از آسمان به زیر می کشیدیم به یاد شما... و «ساعتی» برای شمار ثانیه‌هایی که بی شما گذشت و «سدر» را به یاد سدره المنتهی مصطفی ﷺ، بر سجاده می ریختیم.

و «سیصد و سیزده سرباز» و «سلاحی» به نشان پایبندی بر سوگندی که با شما بسته ایم تا خونی که در رگ‌هایمان است، نذرتان باشد که چه نیکو در عهد آموختیم، بسراییم «شاهراً سیفی، مُجَرِّداً قناتی، مُلَبِّياً دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي» شمشیر از نیام برکشیده لبیک گویان دعوتشان را که در تمام شهرها و بیابان‌های عالم است، اجابت کنیم.

و سین ششم سجاده مان را از خدا می خواستیم تا «سرمه» کشد چشمانمان را به وصال دیدارتان... و شنوا سازد شنوایی مان را به نوای «أَنَا الْمَهْدِي» شما... «اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلَعَةَ الرَّشِيدَةَ، وَ الْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَ اَكْحُلْ نَاضِرِي بِنَظَرِهِ مِنِّي إِلَيْهِ»

و سین هفتم را نیز بر این سجاده می نشانیم «سلامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ» مهدی جان! امسال اولین ضیافت عیدمان را با سلام بر شما آغاز خواهیم کرد: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَبِّيعُ الْأَنَامِ وَ نَصْرَةَ الْأَيَّامِ» به این امید که پاسخ سلام ما، اولین عیدانه‌ی ما باشد و سال ما سالی سرشار از امید به ظهور موفورالسرور شما. ان شالله

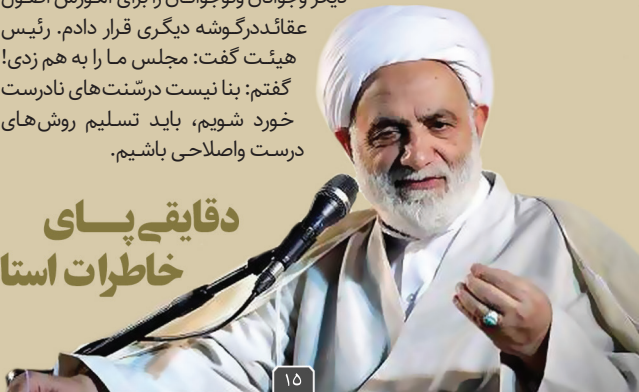
## توجه به حال مستمعین |

اوائل که کاشان بودم، ماه مبارک رمضان بعد از افطار، سخنرانی داشتم. یک شب، گرم صحبت بودم و جلسه داغ شده بود و کمی طول کشید، یک نفر بلند شد و گفت: آقای قرائتی! مثل اینکه امروز بعد از ظهر خوب استراحت کرده‌ای و افطار هم دعوت داشته‌ای و خوب خورده‌ای، من امروز سر کار بوده‌ام، خیلی خسته‌ام، افطاری هم آش تَرش خورده‌ام، بس است، چقدر صحبت می‌کنی.

## هرگروهی نیازمند چیزی |

شب احیای ماه رمضان به مسجدی دعوت شدم. جمعیت زیاد بود، آنها را براساس سن و سال از هم جدا کردم: پیرمردها را برای خواندن دعای جوشن به یک گوشه و میانسال‌ها را برای درست کردن نماز و حمد و سوره به گوشه‌ای دیگر و جوانان و نوجوانان را برای آموزش اصول عقائد در گوشه دیگری قرار دادم. رئیس هیئت گفت: مجلس ما را به هم زدی! گفتم: بنا نیست درسنت‌های نادرست خورد شویم، باید تسلیم روش‌های درست و اصلاحی باشیم.

## دقایقه پای خاطرات استاد



## غروب آفتاب، مطالعه ممنوع

حدیثی را نزد یک چشم پزشکی خواندم که غروب آفتاب، مطالعه نکنید که برای چشم ضرر دارد. ایشان گفت: اتفاقاً از نظر طب نیز این مطلب ثابت شده است که درسیستم بینایی چشم دو نوع سگول داریم، سگول‌های مخروطی و سگول‌های استوانه‌ای که روز و شب شیفت عوض می‌کنند. سگول‌هایی که غروب آفتاب می‌آیند، سگول‌های سست و تنبل هستند، لذا مطالعه در آن زمان به بینایی چشم ضرر می‌زند.

## شایعه

اواخر ماه رمضان بود که شایع شده بود ماه دیده شده و فردا عید است. پرسیدند: کی دیده؟ گفتند: از کرمانشاه زنگ زده اند. پرسیدند: در کرمانشاه کی دیده؟ گفتند: فلان محله. قاصدی فرستادند تا از نزدیک تحقیق کند، گفتند: فلان مسجد، به آن مسجد رفتند، گفتند از خادم شنیده‌ایم، خادم را پیدا کردند، دیدند کور است.

## یادداشت برداری

زمان شاه به ملاقات یکی از علمای قم که در زندان بود رفتم، از پشت میله‌های زندان از ایشان تقاضا کردم مرا نصیحتی بفرمایند. ایشان هرچه فکر کرد، چیزی یادش نیامد، اصرار کردم فرمود: از همین ناتوانی من الهام بگیر و دانستنی‌های خود را یادداشت کن، از اینجا که رفتی تعدادی دفتر تهیه کن و به صورت موضوعی مطالب خود را در دفترها یادداشت کن. من نیز چنین کردم. این موعظه در موفقیت من بسیار مؤثر بود.

## وکالت مجلس

در انتخابات مجلس شورای اسلامی بعضی از دوستان به من اصرار می‌کردند که



نامزد نمایندگی مجلس بشوم، از پدرم کسب تکلیف کردم ایشان گفت: من راضی نیستم گفتم: چرا؟ گفت: اگر وکیل مجلس شوی مدیون پنجاه میلیون نفر می شوی، مدیون شدن آسان است، اما از زیر دین آزاد شدن کار اولیای خداست و تواز اولیاء نیستی، چون من، تو را خوب می شناسم.

### معجزه ۱

به سر یکی از برادران رزمنده ترکشی اصابت کرده بود که پزشکان از بهبودی او قطع امید کرده بودند. بعضی از دوستان گفتند: ببرید نزد امام تا ایشان دعایی بفرمایند شاید فرجی حاصل شود. وقتی خدمت امام رسیدند، ایشان با محبت خاصی که به رزمندگان داشتند، به چند حبه قند دعائی خوانده و آن را به برادر مجروح دادند، یک باره حالش عوض شد و روبه بهبودی نهاد. هنگامی که پزشکان دوباره او را معاینه کردند گفتند: این به معجزه شبیه است. پس اسباب مادی همیشه کارساز نیست.

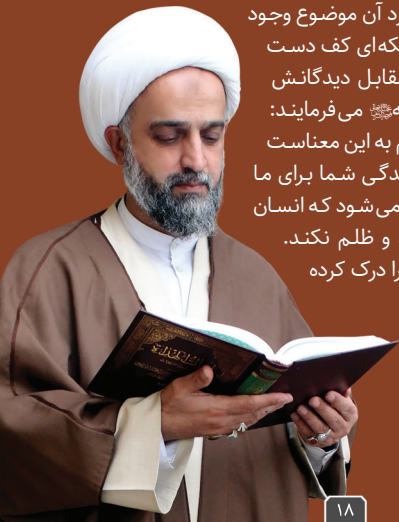
### دقت اسلام ۱

وارد منزل یکی از آشنایان شدم که از نظر مالی در شدت فقر، به سر می برد. مقداری سهم امام پیش من بود، از بس هیجانی شده بودم، سهم امام را به او دادم. برای اجازه مصرف سهم امام، در قم خدمت یکی از علما رسیدم. گفتند: سهم امام شامل این مورد نمی شود و نیاز او باید از طریق دیگری حل شود. گفتم: تاوان می دهم. گفتند: نمی شود. باید بروی پس بگیری. گفتم: در شهر دیگری بوده، شاید خرج کرده باشد! گفتند: باید پس بگیری. مجدداً به کاشان برگشتم، پول را پس گرفته و گفتم: اشتباهی رخ داده و این پول را شما نمی توانید خرج کنید. پیش خود گفتم: راستی اسلام چقدر دقیق است.

کتاب خاطرات، حجت الاسلام والمسلمین قرائتی، با کمی دخل و تصرف

یکی از آثار و برکات امام غایب آن است که ایشان سبب می شوند انسان ها در مسیر پاکی و صداقت حرکت کرده و کارهای خود را با نظر امام زمان تنظیم کنند. حضرت در توقیح شریفی می فرمایند: «فَإِنَّا يُحِيطُ عَلْمُنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَلَا يَعَزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ»<sup>۱</sup> برآستی که علم ما بر اوضاع شما احاطه دارد و هیچ چیز از احوال شما، بر ما پوشیده نیست.

نکته‌ی مهم این روایت در کلمه «احاطه» نهفته است. در زبان عربی محیط بر چیزی بودن به معنای اِشْرَافِ کامل بر آن است به گونه‌ای که هیچ زاویه‌ی پنهانی در مورد آن موضوع وجود نداشته باشد. مانند آن که سکه‌ای کف دست انسان باشد که دو روی آن مقابل دیدگانش باشد. وقتی حضرت بقیه الله عج می فرمایند: ما به زندگی شما احاطه داریم به این معناست که هیچ نقطه‌ی پنهانی در زندگی شما برای ما وجود ندارد. همین امر سبب می شود که انسان مؤمن، حریم الهی را نشکند و ظلم نکند. برای انسانی که معنای احاطه را درک کرده



امام  
فانوس هدایت

باشد، خلوت و جلوت فرقی ندارد و همواره مراقب است که رضایت خدا و امام زمان علیه السلام را بدست آورد.

عبدالله بن ابان زیات، به محضر امام رضا علیه السلام مشرف شد و عرض کرد: برای من و خانواده ام دعا کنید حضرت فرمودند: «أَوْلَسْتُ أَفْعَلُ وَ اللَّهُ إِنَّ أَعْمَالَكُمْ لَتُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ»<sup>۲</sup> آیا چنین نمی‌کنم؟! به خدا قسم کارهای شما هر روز و شب بر من عرضه می‌شود.

این سخن کنایه از آن است که ائمه علیهم السلام به کارهای ما واقف هستند و خداوند آشکار و نهان ما را به ایشان عرضه می‌کند و لذا این انوار مقدس ما را فراموش نمی‌کنند. اعتقاد به این امر سبب می‌شود که ما به گونه‌ای عمل کنیم که وقتی کارهای ما به حضرت ولی عصر علیه السلام عرضه می‌شود اسباب سرور حضرت را فراهم کنیم.

فایده‌ی دیگر امام غایب، یاری رساندن به افراد نیازمند - چه نیازمندان اقتصادی و چه فرهنگی - است. حضرت حتی در پس پرده‌ی غیبت به امور امت می‌پردازند و برای سامان آن‌ها تدبیر می‌کنند. ایشان در توقیع شریفی که به مرحوم شیخ مفید نوشتند، می‌فرمایند: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ إِصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ»<sup>۳</sup> ما شما را بی‌سرپرست رها نمی‌کنیم و یاد شما را فراموش نمی‌کنیم (به یاد شما هستیم) و اگر غیر از این بود، بر شما رنج و سختی و بلا نازل می‌شد و دشمنان، شما را بیچاره می‌کردند.

طبق مفاد این توقیع شریف، حضرت در دو مقام به تدبیر امور ما می‌پردازند: اول سختی‌ها و بلاها، و دوم حفاظت در برابر دشمنان. این همان معنای

یاری رساندن حضرت به یاران خود است. در مقابل، ایشان یک خواسته از شیعیان دارند که البته بازگشت منافع آن عاید یاران و اصحاب حضرت می شود. آن خواسته، رعایت تقوا است. ایشان توسط شیخ مفید پیامی برای تمام شیعیان دادند که تقوای الهی را پیشه کنید و خدا را فراموش نکنید؛ بنابراین باید توجه داشت که درعین حالی که امام زمان علیه السلام به حسب ظاهر از نظر ما غایب هستند اما با عنایات ویژه ایشان، بلا و شرور از ما دفع و کید و سیطره‌ی دشمن بر ما ناکارآمد است.

فایده دیگر امام غایب، دعای خیر ایشان برای مومنان و شیعیان است. سیدبن طاووس می گوید: سحرگاهی در سرداب مقدس صدای حضرت ولی عصر علیه السلام را شنیدم که می فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنَّ شِيعَتَنَا خُلِقَتْ مِنْ شَعَاعِ أَنْوَارِنَا وَ بَقِيَّةِ طِينَتِنَا، وَ قَدْ فَعَلُوا ذُنُوبًا كَثِيرَةً اِتِّكَالًا عَلَيَّ حُبْنًا وَ وِلَايَتِنَا، فَإِنَّ كَانَتْ ذُنُوبُهُمْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ فَأَصْفَحْ عَنْهُمْ، فَقَدْ رَضِينَا وَ مَا كَانَ مِنْهَا فِيمَا بَيْنَهُمْ فَأَصْلِحْ بَيْنَهُمْ، وَ قَاصِّ بِهَا عَنْ حُمْسِنَا، وَ ادْخِلْهُمْ الْجَنَّةَ وَ زَحْزَحْهُمْ عَنِ النَّارِ، وَ لَا تَجْمَعْ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ أَعْدَائِنَا فِي سَخَطِكَ»<sup>۴</sup>. خدایا! شیعیان ما را از شعاع نور ما و بقیه طینت ما خلق کرده ای. آن‌ها گناهان زیادی با اتکاء بر محبت ما و ولایت ما کرده‌اند. اگر گناهان آن‌ها گناهی است که در ارتباط با تو است، از آن‌ها بگذر که ما را راضی کرده‌ای و آنچه از گناهان آن‌ها در ارتباط با خودشان است، خودت بین آن‌ها را اصلاح کن و از حُمسِی که حق ماست به آن‌ها بده تا راضی شوند و آن‌ها را از آتش جهنم نجات بده و آن‌ها را با دشمنان ما در سخط خود جمع نفرما.

سرّ این دعا و تضرع حضرت را امام رضا علیه السلام بیان کرده و می فرمایند: «الإمامُ

... الوالدُ الشَّفِيقُ»<sup>۵</sup> امام پدری مهربان است و این پدر مهربان و شفیع،  
فرزندان، خانواده و آحاد تحت پوشش خود را از یاد نخواهد برد.

برگرفته از کتاب نسیم انتظار، مجموعه بیانات استاد حاج شیخ علیرضا حدائق

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵

۲- الکافی، ج ۱، ص ۲۱۹

۳- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴

۴- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۰۲

۵- کافی، ج ۱، ص ۲۰۰؛ غیبة نعمانی، ص ۲۱۹، ج ۶



لحظه لحظه زندگی انسان، با امید همراه است و او هر دوره از عمر خود را به امید رسیدن به دوره بعدی پشت سر می گذارد.

کودکی که تازه پا به دبستان گذاشته، به امید رفتن به کلاس بالاتر و پشت سر گذاشتن دوران ابتدایی درس می خواند و تلاش می کند. او دوران متوسطه را با امید رسیدن به روزی که بتواند به دانشگاه راه یابد، پشت سر می گذارد. وقتی همین کودک دیروز جوان امروز وارد دانشگاه می شود امیدهای تازه به او توان می دهد و به زندگی او معنا می بخشد؛ امید رسیدن به جایگاه مطلوب اجتماعی، تشکیل خانواده، داشتن فرزند و ...

پس از تشکیل خانواده و تولد فرزندان، همه امید و آرزوی انسان، متوجه پیشرفت و ارتقای فرزندانش می شود و به این ترتیب حکایت پایان ناپذیر امید به آینده، تا آستانه مرگ، انسان را همراهی می کند. این امید به آینده و انتظار تحقق فردای

بهتر، ریشه در یک ویژگی فطری دارد و آن کمال جویی انسان است.

انسان همواره طالب رسیدن به

مراتب بالاتر و دست

یافتن به قله های

پیشرفت و ترقی است و

این در همه انسان ها،

با تفاوت هایی در میزان

تلاش وجدیتی که برای

امید

رسیدن به کمال مطلوب صورت می‌گیرد، وجود دارد. پس انتظار و چشم به راه آینده بودن، شعله‌ای است در وجود انسان که هرچه فروزان تر و پرفروغ تر باشد تحرك و پویایی او نیز بیشتر خواهد بود و برعکس هرچه این شعله به سردی و خاموشی بگراید؛ تلاش و فعالیت انسان نیز کاهش می‌یابد تا آن جا که او تبدیل به موجودی سرد، بی‌روح، بی‌نشاط، گوشه‌گیر و بی‌تحرك می‌شود و این همان حالتی است که در روانشناسی از آن به افسردگی تعبیر می‌کنند. حالتی که شدت وضعف و زمینه‌های به وجود آمدن آن در افراد مختلف متفاوت است، اما عامل آن در هر حال، چیزی جز خشکیدن نهال امید، در وجود انسان نیست.

با توجه به اهمیت و نقش سازنده امید به آینده در زندگی انسان، مکتب حیات بخش اسلام تلاش نموده با تقویت این روحیه، شادابی و سرزندگی جوامع اسلامی و مسلمانان را به نهایت درجه خود رسانده و آنها را در هر زمان پویا و پایدار نگه دارد. امید به آمدن امام مهدی عج دل و جان مشتاقان به آن حضرت را، شور و نشاط می‌بخشد و تحمل سختی‌ها و دشمنی‌ها را آسان می‌کند. این امید و آرزوی ظهور حضرت که همیشه و همه جا برای انسان‌های مومن، نجات بخش و راهگشا بوده در روایات اسلامی انتظار نامیده می‌شود. انتظاری که منتظران را به امام موعود خود وصل کرده و مرهمی بر زخم فراق ایشان است. اکسیری که راه و رسم چگونه زیستن را به مومنان منتظر یاد می‌دهد.

## معنای انتظار

انتظار فرج به معنای عام: در این معنا اسلام تلاش کرده از یک سو با فضیلت

دانستن گشایش عمومی و امید به آینده و سوق انسان‌ها به این عرصه و ازسوی دیگر با نكوهش یأس، ناامیدی، دلسردی و دل‌مردگی، روحیه تلاش و تکاپوی سازنده را در افراد جامعه زنده نگه داشته و از ایجاد حالت یأس و ناامیدی در زندگی مسلمانان جلوگیری کند. اهتمام اسلام به این معنا از انتظار و امید به آینده تا بدان حد بوده که از یک سو از آن با بلندترین عناوین یاد نموده و امید به فرا رسیدن گشایش ازسوی خداوند متعال را در زمره‌ی برترین اعمال شمرده و ازسوی دیگر یأس و ناامیدی از رحمت خداوند را از گناهان کبیره به شمار آورده است خداوند در قرآن می‌فرماید: «لَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيَاسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» از رحمت خدا مأیوس نباشید؛ زیرا جز مردم کافر از رحمت خدا مأیوس نمی‌شوند.<sup>۱</sup>

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «انتظروا الفرج و لا تياسوا من روح الله، فإن أحب الأعمال إلى الله عز و جل انتظر الفرج»<sup>۲</sup> منتظر فرج باشید و از رحمت خداوند ناامید نشوید. بدرستی که خوشایندترین اعمال نزد خداوند صاحب عزت و جلال، انتظار فرج است.

**انتظار فرج به معنای خاص:** در این معنا، انتظار به معنای چشم‌به‌راه بودن آینده‌ای با تمام ویژگی‌های یک جامعه مورد رضایت خداوند متعال است که یگانه مصداق آن دوران حاکمیت آخرین ذخیره‌ی است. خوشا به حال کسانی که چشم به راه امام خود هستند پاداش آنان مانند رزمندگانی است که در رکاب پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به نبرد با دشمنان خدا پرداخته و در آن صحنه به خون خود غلتیده اند.

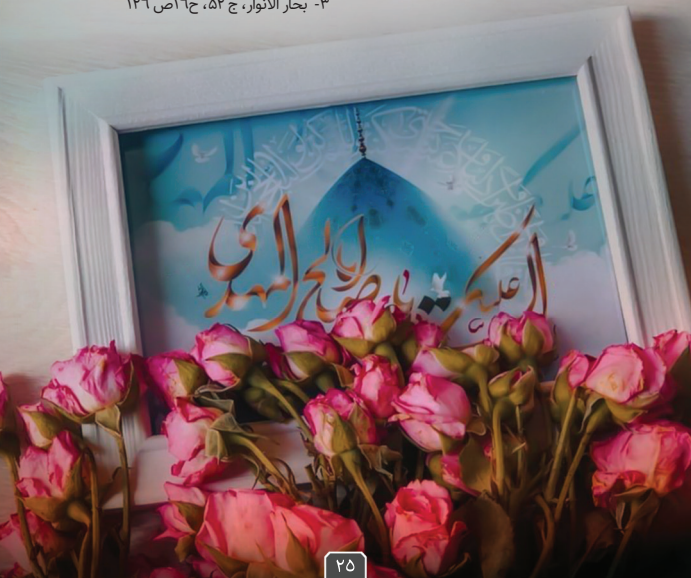
امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: اگر کسی از شما (شیعیان) بمیرد در حالی که



منتظر امر (فرج) باشد، همانند کسی است که با حضرت قائم در خیمه او باشد. «سپس کمی درنگ کرد و فرمود: «نه به خدا قسم! بلکه مانند کسی است که در کنار رسول خدا ﷺ به شهادت رسیده است.»<sup>۳</sup>

۲- بحار الأنوار ج ۵۲، ص ۷، ص ۱۲۳  
۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۶، ص ۱۲۶

۱- یوسف/۸۷



# ماه تمنای ظهور



می توان گفت ماه مبارک رمضان، ماه امام زمان علیه السلام است؛ ماه تقویت امید برای فرج و ماه تمنای ظهور است. این ماه از جنبه‌های مختلف با حضرت مهدی علیه السلام پیوند دارد؛ امام مهدی علیه السلام برترین و کامل ترین انسان روی زمین هستند و ماه رمضان هم بهترین ماه خدا است. ماه رمضان، ماه ویژه سیر و سلوک است و امام زمان علیه السلام برترین سالک و رهروی خداوند می‌باشند. ماه مبارک رمضان بهار قرآن است و امام زمان علیه السلام طبق فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث ثقلین همراه قرآن بوده و تا قیامت از قرآن جدا نمی‌شوند. از این رو، ماه مبارک رمضان فرصت مناسبی برای کسب معرفت امام زمان علیه السلام می‌باشد. خداوند در سوره قدر می‌فرماید: «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» فرشتگان و روح در آن شب به اذن پروردگارشان برای (تقدیر) هر کاری نازل می‌شوند.

فعل «تَنْزَلُ» دلالت بر استمرار دارد به این معنا که تا دنیا باقی است هر سال، در شب قدر ملائکه نازل می‌شوند، قاعدتاً زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله زنده بودند، ملائکه بر ایشان نازل می‌شدند و پس از ایشان نیز ملائکه و روح در شب قدر بر زمین فرود می‌آیند اما بر چه کسی نازل می‌شوند؟ روشن است که هر کسی نمی‌تواند میزبان فرشتگان الهی باشد و باید ایشان همچون پیامبر صلی الله علیه و آله، معصوم بوده و ولایت امور بشر، به عهده ایشان باشد و ایشان کسی جز امام معصوم علیه السلام نیستند، امامی که به اذن خداوند، ملائکه گوش به فرمان و کارگزار ایشان بوده و در این شب بر ایشان نازل شده و تمام مقدرات یک ساله عالم را به امضای



ماه تمنای ظهور

ایشان می‌رسانند و این حقیقت در سوره قدر تبیین شده است. پس حقیقت لیله القدر و صاحب شب قدر، امام زمان علیه السلام هستند. تمام مقدرات ما به امام عرضه شده و به امضای ایشان می‌رسد. پس چه خوب است در این شب تلاش کنیم با حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام ارتباط معنوی و قلبی برقرار کرده و خود را در معرض عنایت ایشان قرار داده و با وجود شرایط لازم برای استجاب دعا، برای تعجیل در فرج ایشان دعا کنیم.

از نکات قابل توجه دیگر در این ماه این است که مهدویت در دعاهای این ماه متجلی است. یکی از معروف ترین و مهم ترین دعاهای این ماه، دعای افتتاح است که مستحب است در هر شب خوانده شود. وقتی در فقرات پایانی این دعا، نام ائمه علیهم السلام را می‌بریم و به امام مهدی علیه السلام می‌رسیم می‌گوییم: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ...» یعنی اشتیاق و تمایل خود را به دیدن دولت مهدوی ابراز کرده و در عین حال از خدا می‌خواهیم «وَتَجَعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدَّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ» خدایا ما را از کسانی قرار ده که به سوی تو و دین تو، راهنمایی می‌کنند و برای اینکه راه تو را نشان دهند، پیشتاز هستند. اگر کسی خواهان و منتظر امام زمان علیه السلام است باید دعوت کننده به سوی خدا باشد. یعنی هم باید دعوت کننده و مُبلغ به این راه باشد و هم راهنما. به عبارت دیگر هم تبلیغ کند که مردم به این سو بیایند و هم وقتی آمدند دست آنها را بگیرد تا به مقصد برسند.

دعای دیگری که در ماه مبارک رمضان بعد از نمازها خوانده می‌شود، دعای معروف «اللَّهُمَّ ادْخُلْ عَلَيَّ أَهْلِ الْقُبُورِ السُّرُورِ...»

ماه تمنای ظهور

است؛ در این دعا، جامعه ایده آل مورد نظر انبیاء و اولیاء معرفی می‌شود و آرزوهایی خواسته شده که تاکنون محقق نشده، این دعا فقط يك مصداق اجابت دارد یعنی جامعه مهدوی که با ظهور امام زمان ع محقق می‌شود. این دعا در حقیقت، تکرار دعای «اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ» است چرا که مصداق تام این دعا امام زمان ع است و فقط پس از ظهور ایشان است که تمام گرسنگان سیر شده و تمام برهنگان پوشیده شده و فقرا، غنی خواهند شد و....

کسی که در این ماه، روزه می‌گیرد به خصوص روزه کامل (یعنی علاوه بر نخوردن و نیاشامیدن از گناه و معصیت نیز تا حد توان دوری می‌کند) عملاً در حال آماده کردن جامعه برای ظهور است. امام مهدی ع می‌فرمایند: «هیچ چیز ما را از شیعیانمان جدا نکرده است مگر آن چه از کارهای ایشان که به ما می‌رسد، اعمالی که خوشایند ما نیست و از شیعیان انتظار نداریم.» اگر ما کارهای ناشایست را کنار گذاشته و اعمال صالح انجام دهیم، با استناد به این فرمایش حضرت، زمینه ظهور و اسباب آمدن ایشان را فراهم کرده ایم. پس با روزه داری، نماز اول وقت، قرائت قرآن، حفظ چشم و گوش از حرام و در یک کلام ترک گناه، تلاش کنیم تا هم خود و هم جامعه را صالح نمائیم. خداوند در سوره انبیاء می‌فرماید: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» یعنی کسانی که قرار است امام زمان ع را یاری کنند، بندگان صالح خدا هستند و ماه مبارک رمضان زمینه صالح شدن را فراهم می‌کند و از این جهت ماه رمضان می‌تواند زمینه ساز ظهور باشد.



ماه تمنای ظهور

۱- احتجاج، ج ۲، ص ۶۵۵

امروز در صحنه فلسطین و غزه، شاهد شکست مهم‌ترین ادعای اخلاقی غرب طی ده‌ها سال در قالب حقوق بشر هستیم. جنگ غزه، جنگی که عینی‌ترین جلوه‌ی نسل‌کشی و پاکسازی قومیتی را در دوران معاصر پیش چشم جهانیان قرار داد و همان طور که رئیس صلیب سرخ جهانی گفت به یک شکست اخلاقی برای جامعه بین‌المللی به دلیل ناتوانی آن در متوقف کردن یک تراژدی بزرگ انسانی در نوار غزه تبدیل شد.

جنایاتی که امروز در غزه در حال رخ دادن است به روشنی به همه جهانیان نشان داد که حقوق بشر صرفاً یک دستاویز، برای سلطه بیشتر بر بشریت و ابزاری برای استثمار و سلطه بر ملت‌هاست. غرب، تاریخی مملو از خونریزی و استثمار و سیاهه بزرگی از جنایت علیه بشریت در نقاط مختلف جهان دارد

# شکست اخلاقی

غرب و مذهب‌دویت



## شکست اخلاقی

غرب و مهدویت

و بنای آن بر دریایی از خون انسان‌های بی‌گناه نهاده شده است و همین واقعیت‌ها نشان می‌دهد که حمایت آن‌ها از رژیم جنایتکار صهیونیست، پدیده غریبی نیست. با این حال، حمایت تمام قد غرب از رژیمی اشغالگر و جنایتکار علیرغم کشتار هزاران زن و کودک، باطن حقوق بشر مورد ادعای غرب را در برابر چشم خوش‌بینان به غرب نمایان کرد و همین باعث شد که بسیاری از آزادیخواهان جهان، برای اولین بار به خیابان‌ها آمده و بر سر این حمایت فریاد بکشند.

جنگی که امروز روی پشت بام خانه‌ها و در راهروی بیمارستان‌های نوار غزه، رفح، خان یونس و ... جریان دارد، یک محک بزرگ برای آزادی بیان در دولت‌های غربی است. گویا جنگ و خونریزی در باریکه ۲ میلیون نفری نوار غزه فرصتی شده تا غرب نشان دهد تا چه حد به شعار آزادی بیان و دفاع از حقوق بشر پایبند است. اما نتایج این آزمون برای غرب جز مردودی چیزی نداشته است، چون در حالی که جنگنده‌های صهیونیستی ساعت به ساعت مشغول ریختن هزاران بمب و موشک روی سر مردم غزه هستند، حمایت از فلسطین و اعلام همبستگی با مردم زیر آتش در نوار غزه، رفح، خان یونس، کرانه باختری و ... در برخی از کشورهای غربی ممنوع و حتی برای آن مجازات تعیین شده است. گویا آزادی بیان همان اسبی است که غرب در

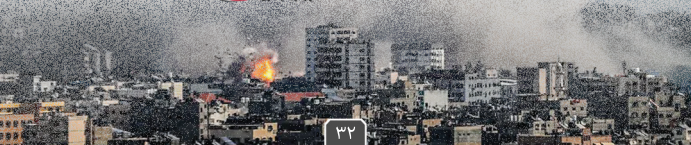
شرط بندی روی آن دچار باخت بزرگی شده است.

جنگ غزه را باید نماد صهیونیسم خواند، نمادی که جنایت و خونریزی اصل و اساس آن است، به حدی که در میانه این نبرد و دقیقاً زمانی که ارتش تا بن دندان مسلح رژیم صهیونیستی فهمید که نمی‌تواند کاری در غزه به جز کشتار مردم عادی انجام دهد شروع به کشتار انسان‌های بی‌گناه بسیاری کرد که درصد زیادی از آنان را زنان و کودکانی بی‌پناه تشکیل می‌دادند. صحنه امروز فلسطین، صحنه فروپاشی اخلاقی و مقدمه صف‌بندی‌های جدید جهانی برای مقابله با این تمدن سلطه‌جو، وحشی، ویرانگر و ضدبشری است. حوادث غزه باعث شد دنیا متوجه شود که همه غرب با یکدیگر متحد شدند هم اروپا که مدعی حقوق بشر است و هم آمریکا و هیچ عدالتی در جهان برقرار نیست.

امروز مهم‌ترین دستاورد برای جبهه مقاومت، شکستن پشتیبانی رسانه‌ای و فضاسازی جهانی در حمایت از اسرائیل است. اسرائیلی که ده‌ها سال است تلاش دارد از طریق قدرت اقتصادی و رسانه‌ای سازمان‌های صهیونیستی خود را موجه جلوه دهد و فلسطینی‌ها را غیر موجه، اما با جنایات امروز صهیونیست‌ها دیگر همه جهان حق و حقوق فلسطینی‌ها را به رسمیت شناخته و مطالبه می‌کنند. همه، امروز خود را جای فلسطینی‌ها گذاشته و

## شکست اخلاقی

نگهداری و بهداشت







## شکست اخلاقی

غرب و مهدویت

تصور می‌کنند اگر آن‌ها جای ملتی بودند که در خانه و کاشانه و سرزمین خود زندانی شده و به اشکال فجیح، قتل عام و سرکوب می‌شدند و حق خروج از آن زندان را نداشتند و فقط باید منتظر بودند کی اسرائیلی‌ها آن‌ها و خانواده‌هایشان را قتل عام کنند چه می‌کردند!!

آری! عملاً امروز کل جامعه جهانی از عملکرد اسرائیل آگاه شده و ما شاهد واکنش‌های مردمی بر علیه اسرائیل علیرغم همه تلاش‌های لابی‌های صهیونیستی برای مقابله با آن هستیم.

مقاومت جانانه مردم فلسطین در برابر تجاوزات صهیونیست‌ها سبب شده تا رژیم اشغالگر قدس، میدانی باز و فراخ از جنایت و کنشگری تجاوزکارانه را پیش روی خود نبیند و این رژیم نیز متحمل آسیب و خسارت‌های قابل توجهی شود.

در این میان، حمایت محور مقاومت در منطقه از ملت فلسطین و مقاومت آن‌ها در برابر تجاوزات صهیونیست‌ها، صورت حساب‌های سنگینی را روی دست رژیم صهیونیستی و حامیان غربی و منطقه‌ای آن قرار داده است.

عملیات طوفان الاقصی با انداختن پرده‌های ریاکاری نشان داد که غربی‌ها از همه طیف‌های سیاسی هم چنان مقاومت فلسطینی‌ها به‌عنوان ساکنان اصلی و بومی سرزمین فلسطین را محکوم کرده و به شدت از استعمارگران

اروپایی یعنی صهیونیست‌ها حمایت می‌کنند.

در حال حاضر مردم دنیا به ویژه در غرب متوجه گرسنگی، آوارگی، بی عدالتی و ظلمی که به فلسطین می‌شود، شده اند بنابراین امیدواریم حرکتی برای همگرایی کشورهای مستقل انجام شود تا کمی از فشارها کاسته شود. البته باید توجه داشت غرب بدون توجه به حقوق بشری که همیشه مدعی اش بود به کمک اسرائیل آمد. این مساله باعث شد اسرائیل حس کند پشتیبانی قوی جهانی دارد و این پشتیبانی به او اجازه می‌دهد هم غزه را ویران کند و هم چشم بسته انسان‌ها را بکشد و هم با هدفی غزه را با خاک یکسان کند به طوری که دیگر اهالی غزه نتوانند آن جا زندگی کنند. جامعه جهانی این خطر را احساس کرده، زیرا ویرانی‌ها و کشتار بیشتری در جریان است و مردم در نوار غزه در حالی وارد ماه مبارک رمضان شده اند که با گرسنگی، آوارگی و محاصره شدید دست و پنجه نرم می‌کنند.

آیا وقت آن نرسیده است که مجامع بین المللی و کشورهای اسلامی با اجماع خود حرکتی را به نفع مردم مظلوم فلسطین انجام دهند!!؟

أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ

## شکست اخلاقی

تفرد و جهاد است



## میهمان و میزبان

در شب قدر یک میهمانی بر پا می‌شود. فرشته‌ها میهمان هستند که به زمین می‌آیند و این متن قرآن است: «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ» و امام زمان علیه السلام میزبان است. فرشته‌ها کنار من و شما نمی‌آیند. پس بر چه کسی نازل می‌شوند؟ میزبان کیست؟ حضرت مهدی علیه السلام! امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند: شما با سوره قدر با دیگران احتجاج کنید! بگویید: شب قدر برای یکسال بوده است یا برای هرسال؟ سنی و شیعه به اتفاق می‌گویند: شب قدر برای یک سال نیست. هرسال یک شب قدر دارد.

فرشته‌ها کجا می‌روند؟ پهلوی رئیس جمهورها می‌روند؟ نزد وکیل‌ها، وزیرها و پولدارها می‌روند؟ نزد کشاورزها و کارگرها می‌روند؟ زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله فرشته‌ها خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله می‌رسیدند، و چون هر سال شب قدر است و هر سال فرشته‌ها می‌آیند پس باید الآن هم کسی مانند پیغمبر صلی الله علیه و آله لیاقت این را داشته باشد که فرشته‌ها به خدمت او برسند. چنین کسی فقط حضرت مهدی علیه السلام است و ملائکه در شب قدر به محضر ایشان می‌رسند.

## گاو صندوق گوشتی

باید سهم امام را پرداخت کرد. برخی خُمس نمی دهند در واقع سهم امام زمان ع را پرداخت نمی کنند؛ به راستی چنین کسانی مانند گاوصندوق گوشتی هستند که مال را برای وارث خود نگه داری می کنند. خُمس مانند احکام دیگر از جمله نماز، واجب است. آن چنان که اگر کسی انفاق کند، مسجد بسازد، کارهای خیر انجام دهد، ولی خُمس خود را پرداخت نکند؛ همه این کارهایی که انجام داده با خُمس اموالش برابری نمی کند.

## کلاس

در کلاس درس دو چیز دیده می شود: یکی معلم و دیگری کتاب. اگر دانش آموزی کتاب داشته باشد، ولی معلم نداشته باشد، درس را نمی فهمد. هم چنین اگر معلم باشد، ولی کتابی وجود نداشته باشد، معلم نمی تواند به خوبی درس بدهد. افزون بر این که، ممکن است یک معلم، درسی بدهد و معلم دیگر، درسی دیگر. پس برای رشد هماهنگ درسی دانش آموزان، هم معلم لازم است و هم کتاب.

قرآن، کتاب درسی مسلمان هاست و اهل بیت علیهم السلام، معلم این

کتاب هستند. با ظهور امام زمان عج، دوباره معلم، بر سرکلاس می‌آید، برنامه‌های آموزشی همه، یک دست و هماهنگ می‌شود و مسلمان‌ها کتاب خدا و اهل بیت علیهم‌السلام را با یکدیگر خواهند داشت و از هر دو استفاده خواهند کرد.

### تمرین

پیش از شروع هر مسابقه ای، تمرین می‌کنند تا در میدان مسابقه پیروز شوند و مدال بگیرند. اکنون ما با گوش سپردن به حرف رهبر در جمهوری اسلامی ایران تمرین می‌کنیم تا در عصر ظهور، پیرو و تسلیم امر امام زمان عج باشیم. در حقیقت دوران غیبت، دوران تمرین اطاعت است.

### پست‌انک

چرا دنیا به این فکر افتاده است که شورای امنیت و سازمان ملل درست کند؟ چون دنیا این را فهمیده که انسان در فطرت و درونش به تشکیلات واحد حکومتی نیاز دارد که طرفدار حقوق انسان‌ها است. انسان به عدالت گرایش دارد. سازمان ملل هم می‌گوید: بیا آن امنیتی که می‌خواهی، آن صلح

چند تأمل مهدوی

وعدالتی که می‌خواهی من تأمین می‌کنم.  
وقتی بچه گرسنه است و می‌خواهد شیر بخورد، گاهی در دهان او پستانک می‌گذارند، بشر فهمیده است ظلم بد است. باید کره زمین یک صاحب مناسبی داشته باشد؛ اما ابرقدرت‌ها این احساس را فهمیده و در دهان بشر پستانک می‌گذارند. این شورای امنیت و سازمان ملل پستانکی است که ابرقدرت‌ها تراشیدند تا در دهان انسان بگذارند تا انسان آن احساس صادقش به صورت کاذب، اشباع شود. این احساس صادقانه‌ای است که اشباع کاذب دارد.  
آری! دانشمندان هم به این نتیجه رسیده‌اند که باید یک حکومت واحد وجود داشته باشد.

۱- اقبال الأعمال، ج ۱، ص ۶۵ «بَا مَعَشَرَ الشَّيْعَةِ خَاصِمُوا بِسُورَةِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ تَفْلِحُوا فَوَ اللَّهُ إِنَّهَا لِحِجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ إِنَّهَا لَسُدَّةٌ لِسَيِّدَةٍ دِينِكُمْ وَ إِنَّهَا لَعَايَةٌ عَلِمْنَا».

چند تأمل مهدوی

# فدا در مسیحیت

در شماره قبل به تاریخ پیدایش آموزه فدا در مسیحیت و نقد این آموزه یعنی سند آن و بحث کودکان گناهکار، پرداختیم.

## سکوت پیامبران درباره آموزه مهم فدا

وقتی به عمق باور مسیحی به آموزه فدا نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم این آموزه اگر مهمترین رکن اعتقاد مسیحی نباشد، از مهمترین ارکان ایمان مسیحی است و اساساً محور نجات در آیین مسیحیت بر این باور استوار است. به گونه‌ای که اگر این آموزه را کنار بگذاریم یا نقد کنیم، ستون مسیحیت را در باور به چگونگی نجات انسان‌ها، شکسته و هدف و مقصد آینده بشریت در مسیحیت را با یک چالش جدی روبرو کرده‌ایم که حتی می‌توان با آن اعتقاد به تثلیث را هم مورد حمله قرار داد. چرا که باور به الوهیت حضرت عیسی (علیه السلام) در مسیحیان پیوند بسیار محکمی با منجی بودن ایشان دارد و به طور کلی به صلیب کشیده شدن وی که راز نجات انسان‌ها در آن نهفته است به یکباره فرو خواهد ریخت.

حال سوالی این جا مطرح می شود که این آموزه که دارای این همه اهمیت است، چرا توسط انبیاء و فرستادگان خداوند برای بشر مطلبی درباره آن بیان نشده است؟ و از همه مهم تر چرا حضرت عیسی مسیح علیه السلام که سر حلقه‌ی اعتقاد به فدا می باشد خود درباره آن سخنی به زبان جاری نکرده است؟ اگر قرار بود مردم پس از حضرت مسیح علیه السلام به فدا باور داشته باشند تا به نجات دست یابند چرا حداقل در شام آخر که در انجیل آمده، حضرت عیسی علیه السلام به صراحت درباره آن سخنی به زبان جاری نکرده تا پس از او حواریون بر مبنای آن، مردم را به سمت آیین جدید، بشارت دهند؟ آیا آگوستین قدیس با حدود چهار قرن فاصله زمانی نسبت به پیدایش مسیحیت، از یک منبع غیبی متوجه شد؟! هزاران سال بشریت در رأس آن انبیای عظام و حتی خود حضرت مسیح علیه السلام در خاموشی مطلق، به فهم و اهمیت این موضوع پی نبرده و ناگهان او موجودیت و اهمیت آموزه فدا و فدیة شدن حضرت مسیح علیه السلام برای بخشش نوع بشر را متوجه شد به گونه ای که همه باید بدان مومن شوند؟ قطعاً عدم توجه پیامبران و حضرت مسیح علیه السلام به باور فدا، می تواند ذهنیت ساختگی بودن این آموزه در مسیحیت و یا کپی شدن آن از ادیان ساخته بشر را در ما تقویت کند تا به اصل موضوع پی برده و این آموزه را به چالش بکشیم.

البته باید گفت: دید ما نسبت به آیین مسیحیت همان چیزی است که در قرآن کریم بیان نموده است. خداوند در قرآن می فرماید: «وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا



سِحْرٌ مُّبِينٌ»<sup>۱</sup> و هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت ای فرزندان اسرائیل من فرستاده خدا به سوی شما هستم تورات را که پیش از من بوده تصدیق می‌کنم و نیز شما را مژده می‌دهم به فرستاده ای که پس از من می‌آید و نام او احمد است چون آن رسول ما با دلایل روشن به سوی خلق آمد، گفتند این سحری آشکار است.

ما حضرت عیسی مسیح علیه السلام را یکی انبیای بزرگ و پیامبران الوالعزم برای هدایت مردم علی‌الخصوص بنی اسرائیل می‌دانیم و بشارت دهنده به پیامبر پس از خود یعنی نبی مکرم اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌شناسیم و این نقدهایی که صورت می‌پذیرد به جهت به چالش کشیدن اصل مسیحیت و العیاذ بالله مقام شامخ حضرت مسیح علیه السلام نیست؛ بلکه غرض نقد آن دسته از مسائلی است که به صورت انحرافی وارد آیین مسیحیت شده است و متأسفانه آباء کلیسا بر آن به عنوان یک اعتقاد راسخ پافشاری کرده و موجب گمراهی انسان‌ها شدند؛ که بعد از قرون وسطی در زمان رنسانس و پس از آن، همانند زخمی که سر، باز کند موجودیت خدا و اصل دین، را به چالش کشید و بسیاری را به ورطه‌ی بی‌اعتقادی کشاند.

ادامه دارد

محمدعلی غیبی

## فرقه‌های انحرافی

صدای اذان از رادیوی ماشین به گوش رسید، جوانی که در کنارم نشسته بود بلند شد به طرف راننده رفت و به او گفت: آقای راننده لطف کنید نگه دارید تا نمازم را بخوانم.

راننده با بی تفاوتی گفت: برو بابا حالا کی میخواد نماز بخونه صبر کن ساعتی دیگر در قهوه خانه برای ناهار و نماز نگه می دارم. اما جوان ول کن نبود آن قدر اصرار کرد تا راننده ماشین را نگه داشت و او نماز ظهرش را که شکسته بود خواند.

وقتی سوار شد پرسیدم: چرا این قدر به نماز اول وقت اهمیت می دهی؟  
گفت: من به آقایی قول داده ام همیشه نمازم را اول وقت بخوانم.  
گفتم: به چه کسی؟



گفت: من در یکی از کشورهای اروپایی درس می‌خواندم. چند سالی بود که آن جا بودم محل سکونت من در یک بخش کوچک بود و تا شهری که دانشگاه در آن قرار داشت فاصله‌ی زیادی بود. با یک اتوبوس که هر روز از آن بخش به شهر می‌رفت، به دانشگاه می‌رفتم. برای فارغ التحصیل شدنم باید آخرین امتحانم را می‌دادم. پس از سال‌ها رنج و سختی و تحمل غربت، خلاصه روز موعود فرا رسید درس را خوب خوانده بودم. سوار اتوبوس شدم پس از چند دقیقه اتوبوس که پر از مسافر بود راه افتاد. نیمی از راه، را آمده بودیم که یکباره اتوبوس خاموش شد. راننده پایین رفت و کاپوت ماشین را بالا زد. مقداری موتور ماشین را دستکاری کرد اما ماشین روشن نشد. مسافران کنار جاده آمده بودند و من هم دلم برای امتحان شور می‌زد و ناراحت بودم. چیزی به امتحان نمانده بود. وسیله‌ی نقلیه‌ی دیگری هم از جاده عبور نمی‌کرد نمی‌دانستم چه کنم همه‌ی تلاش‌های چندساله ام به این امتحان بستگی داشت خیلی نگران بودم یکباره جرقه‌ای به مغزم خورد، به یاد امام زمان علیه السلام افتادم. دلم شکست اشکم جاری شد با خودم گفتم: یا بقیه الله! اگر امروز کمک کنی به امتحانم برسم، قول می‌دهم تا آخر عمر نمازم را اول وقت بخوانم.

چند لحظه‌ی بیشتر نگذشته بود که آقایی از دور نمایان شد و به سمت راننده آمد و با زبان فرانسوی به راننده گفت: چی شده؟ راننده گفت: نمی‌دانم هرکاری می‌کنم روشن نمی‌شود.

مقداری ماشین را دستکاری کرد و به راننده گفت: استارت بزن. ماشین روشن شد همه خوشحال سوار ماشین شدند. من هم که عجله داشتم سوار

ماشین شدم. همین که اتوبوس خواست راه بیفتد، همان آقا پا روی پله‌ی اول اتوبوس گذاشت مرا به اسم صدا زد و گفت: قولی که داده‌ای یادت نرود نماز اول وقت! و به پشت اتوبوس رفت. من هرچه نگاه کردم دیگر او را ندیدم و تا دانشگاه، همین طور اشک ریختم.

میرمهر، بورسید آقایی، ص ۳۴۴

### احترام به پدر

شیخ باقر نجفی، از شیخ صادق که دلاک بود، نقل می‌کند: ایشان پدر پیری داشت که خدمتگزاری او را می‌کرد. حتی کنار دستشویی برای او آب حاضر می‌کرد و منتظر می‌ایستاد تا او را به مکان استراحتش ببرد و کوچک‌ترین کوتاهی در خدمت به پدر نمی‌کرد. مگر در شب‌های چهارشنبه که به مسجد سهله می‌رفت. پس از مدتی رفتن به مسجد را هم ترک نمود. از او پرسیدم: چرا رفتن به مسجد را ترک کرده‌ای؟

گفت: چهل شب چهارشنبه به آن جا رفتم، هفته‌ی چهل‌م، وقت گذشته بود که حرکت کردم. اتفاقاً آن شب مهتاب نمایان بود. مقداری از راه را رفته بودم که مردی عرب، که سوار بر اسب بود را دیدم او به سمت من آمد وقتی به من رسید سلام کرد و پرسید: به کجا می‌روی؟

گفتم: به مسجد سهله.

فرمود: خوراکی همراه داری؟

گفتم: نه

فرمود: دست در جیب خود ببر.

گفتم: چیزی ندارم. باز همان سخن را تکرار کرد، من هم دست خودم را در

جیبم کردم، مقداری کشمش یافتم که برای فرزندم خریده بودم ولی فراموش کرده بودم به او بدهم.

بعد آن مرد به من فرمود: اوصیک بالعود؛ عود بلسان عرب بَدَوی، پدر پیر را می‌گویند یعنی تو را نسبت به پدر پیرت، سفارش می‌کنم. و این عبارت را سه بار تکرار فرمود و از نظرم غایب گردید.

متوجه شدم ایشان حضرت مهدی عج بودند و فهمیدم آن حضرت راضی به جدایی من از پدرم، حتی در شب‌های چهارشنبه نیستند. به همین خاطر دیگر به مسجد سهله نرفتم.

بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۴





کلیا ژوبرت هستم. در سال ۱۹۶۱ میلادی (۱۳۴۰ شمسی) در پاریس در یک خانواده تحصیل کرده کاتولیک متولد شدم. مادرم پزشک و پدرم نقاش و کنده کار بود. دوران کودکی را در پاریس گذراندم. از همان زمان به خاطر سؤالات و شبهات متعددی که در مورد مسیحیت، برایم ایجاد شده بود و تناقض‌هایی که مشاهده می‌کردم مانند این که ارتباط با خدا باید با واسطه باشد و در هنگامی که مرتکب گناه می‌شویم باید پیش کشیش اعتراف کنیم، تا خدا ما را ببخشد، کم کم از این دین فاصله گرفتم و برای یافتن حقیقت شروع به جستجو در ادیان و مکاتب مختلف کردم. چند سال بعد به برکت انقلاب اسلامی ایران، با اسلام آشنا شده و بعد از مطالعه و تحقیق بسیار، تصمیم گرفتم که مسلمان شوم. مهم‌ترین دلیل این تصمیم، توحید ناب و شفافیت اسلام بود و این که دین اسلام اصلاح‌کننده و کامل‌کننده دین مسیحی است و تمام پیامبران پیشین را قبول دارد. در سن ۱۹ سالگی به دین اسلام گرویده و مسلمان شدم و با تمام وجود، تلاش کردم به دستورات اسلام عمل کنم تا خدای مهربان از من راضی باشد. نام سمیه را برای خود برگزیدم اما کمتر از آن استفاده می‌کنم.

خانواده ام در ابتدا از مسلمان شدنم ناراحت شدند ولی به دلیل اینکه با وجود پذیرفتن اسلام، حضرت عیسی (علیه السلام)

قبول داشتیم و با توجه به اینکه احترام به پدرو مادر یکی از موارد مورد تاکید دین اسلام است و من نسبت به قبل، بیشتر احترام آن‌ها را نگه می‌داشتیم راحت تر با موضوع کنار آمدند.

کمی بعد از مسلمان شدنم با یک دانشجوی ایرانی ازدواج کردم و از سال ۱۳۶۲ به ایران آمده و ساکن اینجا شدم. مردم ایران را دوست دارم و از این که هم‌زمان با دو فرهنگ و دو زبان متفاوت در کنار هم زندگی می‌کنیم، واقعا خوشحالم. زبان فارسی را خیلی دوست دارم و برای یادگیری آن انگیزه قوی داشتم. انگیزه داشتن، یادگیری را آسان می‌کند.

از کودکی به خواندن کتاب و نقاشی علاقه داشتم. هم چنین علاقه زیادی به مطالعه کتاب‌های روان‌شناسی کاربردی، نقد داستان، عرفان عملی، خاطرات و البته کتاب‌های تصویری کودکان دارم.

لیسانس علوم تربیتی، فوق‌لیسانس ادبیات کودک از دانشگاه لومان فرانسه و تحصیلات حوزوی (سطح دو) دارم. زمانی که به ایران

- آمدم متوجه شدم در ایران بر خلاف فرانسه، کتاب‌های داستان نویسی زیادی منتشر شده و کارگاه‌های مختلف داستان نویسی برگزار می‌شود که این امر فرصت یادگیری ادبیات داستانی را برای علاقه‌مندان ورود به این حوزه، مهیا می‌کند. با تولد فرزندانم که وقت و بی‌وقت از من قصه می‌خواستند و خیلی پیش می‌آمد که مجبور می‌شدم خودم قصه بسازم. کم‌کم تصمیم گرفتم که شروع به نوشتن کنم و سعی نمودم مفاهیم دینی را که زندگی من را زیباتر کرده، برای کودکان بیان کنم. از این رو بیشتر آثار من

در حوزه‌ی موضوعات دینی و مذهبی برای کودکان نوشته شده است. معتقد ادبیات، بستر مناسبی برای آموزش و انتقال مفاهیم دینی و اسلامی به کودکان است. سعی کردم در داستان‌های خود به زبان ساده جواب سوال‌های کودکان را درباره‌ی مفاهیمی همچون خدا، ائمه، صفات اخلاقی مثل راستگویی، امانتداری، دوستی، آشتی و... بدهم.

در حال حاضر ترجیح می‌دهم به زبان فارسی، داستان بنویسم، چرا که کودکان ایرانی امروز را خیلی بهتر از کودکان فرانسوی می‌شناسم. در ضمن می‌توانم داستان‌هایم را قبل از چاپ، به دوستان نویسنده و تعدادی از مادران ارائه بدهم تا نظر داده و نقد کنند، در صورتی که وقتی به زبان فرانسه می‌نویسم چنین امکانی را ندارم.

تا به حال به لطف خداوند توانسته‌ام حدود ۸۰ کتاب کودک را به چاپ برسانم که بیش از نیمی از این کتاب‌ها، حاوی داستان‌های تخیلی-دینی هستند. یکی از این کتاب‌ها «لینالونا» است که در آن سعی کردم مفهوم حجاب را به صورت غیر مستقیم و به زبان کودکانه بیان کنم.

«یک داستان دنباله‌دار» نام کتاب دیگری است که از مجموعه کتاب‌های «مهربان‌ترین پدر» با یک داستان زیبا و خواندنی کودکان را با امام زمان ع آشنا می‌کند تا با شجاعت و انس بیشتر، برای پیمودن مسیر یاری ایشان مهیا شوند. در این اثر سعی شده به سوالات کودکان از قبیل چرا به حضرت مهدی ع امام زمان می‌گویند؟ خداوند چرا به امام زمان ع عمر طولانی عنایت کرده است؟ و... پاسخ داده شود. این کتاب به زبان ساده و کودکانه و به دور از پیچیدگی‌های ساختاری و نوشتاری، کودک را با ویژگی‌های حضرت مهدی ع آشنا می‌کند.





برگزاری سومین همایش ملی  
«مهدویت و انقلاب اسلامی» - شیراز



گردهمایی مدیران بنیاد فرهنگ  
حضرت مهدی موعود عج کشور شیراز



برگزاری جلسه شورای سیاستگذاری  
فعالیت های مهدوی استان فارس  
بمحوریت دهه مهدویت و نیمه شعبان



برگزاری شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی با محوریت نیمه شعبان و برنامه شاد پیمایی حماسه حضور برای ظهور



سخنرانی قائم مقام بنیاد و مؤسسه  
فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) فارس  
پیش از خطبه‌های نماز جمعه شیراز و  
اعلام بخشی از برنامه‌های دهه مهدویت



همایش مهدی یاوران به مناسبت  
نیمه شعبان- مهدیه بزرگ شیراز



برگزاری مراسم شاد پیمایی حماسه  
حضور برای ظهور در نیمه شعبان  
شیراز



برگزاری مراسم ترحیم آیت الله امامی  
کاشانی با حضور دانش آموختگان و  
دانش آموزان مدارس علوم و معارف شهید  
مطهری - مهدیه بزرگ شیراز





برگزاری جشن نیمه شعبان در شعبه فسا



برگزاری جشن نیمه شعبان در شعبه آباده





برگزاری جشن نیمه شعبان در شعبه استهبان



برگزاری جشن نیمه شعبان در شعبه بوانات





برگزاری جشن نیمه شعبان در شعبه صفاشهر



برگزاری جشن نیمه شعبان در شعبه فراشند





برگزاری جشن نیمه شعبان در شعبه لامرد

